



نویسنده است در آن گوش که خوسدل باشی که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی



- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

- **«لیدا فخری (اندیشه)»** محمدرضا عزیزی (گزارش)
- **«زهره کاشوری (زیست‌بوم)»** فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- **«مهدی کلهرنژاد (اجرایی)»**
- **«صفحه‌آزایی «ایران»»**
- **«ویراستاری «ایران»»**
- **«ابوالفضل نسایی (عکس)»**

- **«صاحب امتیاز:»** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **«سردبیر:»** حسام الدین پرومند
- **«معاون فنی:»** محمدملاعی اکبری
- **«دبیران:»** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- **«مهدی مهرپور (اقتصادی)»**
- **«زرین رستمی وند (اجتماعی)»**
- **«بنفشه غلامی (جهان)»**

ایران

پیامبر خدا (ص):

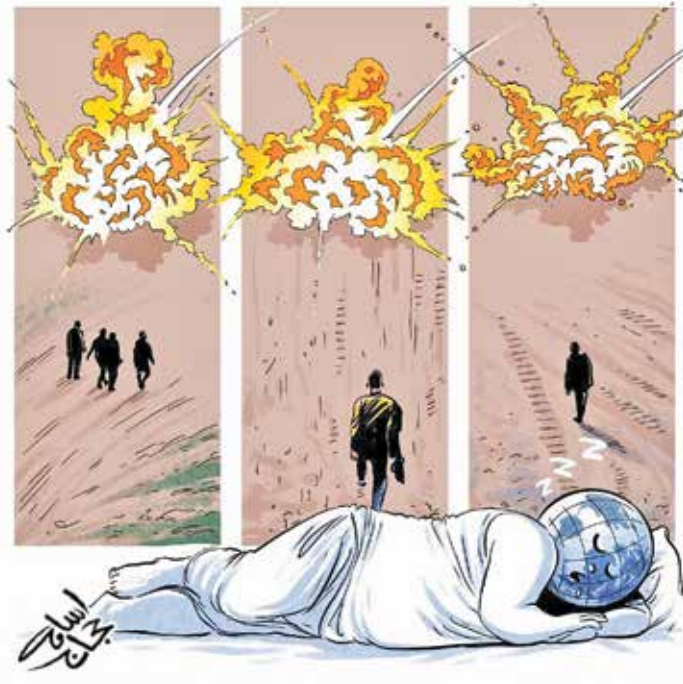


دل کنند از دنیا، جان و تن را آسوده می کند.

الخصال: ص ۷۳ تا ۱۱۴، حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، جلد ۸ صفحه: ۱۶۴



سکوت مستکبران در برابر غزه



نقل قول

نئوانتسیم اثری در خور مسأله فلسطین خلق کنیم

هنرمند باید بتواند فاصله و خلأیی را که میان خود و کنشگران مردمی جامعه وجود دارد، پر کند و خود را به مردم برساند. بخش مهمی از هنرمندان در درک مسائل و فهم بدیهیات عقب‌تر از مردم هستند. هنرمند باید این پدیده‌ها را درست بشناسد و در زمان درست بتواند اثری که مناسب است، خلق کند. مهم‌تر از موضع‌گیری هنرمند نسبت به مسائل، خلق اثر در زمان مناسب است. آن چیزی که در شرایط موجود جای تأسف دار نبود و خلأ‌آثار است و این مسئولیت پهای هنرمند است. هنرمند باید حرف‌های خود را با زبان هنری در رشته خود برزند تا صحبت کند. جای تأسف دارد که چرا بعد از این همه سال که فلسطین مسأله اول جهان است نتوانستیم برای خود ایجاد دغدغه کنیم و اثری در خور خلق کنیم.



بخشی از صحبت‌های منتشر شده این کارگردان و نویسنده در فارس

بادداشت

سمودظاهری
فیلمساز، پژوهشگر
و نویسنده

نگاهی کوتاه به سریال «الحشاشین»

هدف چیز دیگری است

در ماه رمضان سریالی در کشورهای عربی عرضه شد که گذشته از وسعت حوزه تأثیر علیه تفکری ساخته شد که امروز در کشورهای عربی تقابلی با آن در حال تبدیل شدن به یک ایدئولوژی مذهبی و نژادی است.

اول اینکه سریالی به لحاظ پرداخت سینمایی یک اثر ضعیف و دارای اشکالات بزرگ فنی است؛ دکورها به طرز اعجاب‌آوری از لحاظ تاریخی غلط هستند، دکوهای ضعیف، بازی‌ها همان گل درشت عربی و... بنابراین سطح کلی اثر با توجه به بودجه‌ای که در اختیار داشته در مرحله تقلید ابتدایی از تولیدات غربی و پیش از تولید باقی مانده است.

اما مسأله اصلی این است که هدف از ساختن این مجموعه چیست؟ پیش از پاسخ به این سؤال باید اشاره شود که سال‌ها قبل نزدیک سریالی با نام «عمر خیام» با همین شکل و تقریباً با همین هدف ساخته شده بود که از قضا از تلویزیون ایران نیز پخش شد؛ نکته مهم اما، شباهت خوانش هر دو مجموعه از تاریخ و نیز برخی تلقی‌های اعتقادی است و این همان هدف نهایی هر دو پروژه است. خوانشی که جهان سنی از تاریخ اسلام دارد از خوانش شیعی در بسیاری از برهه‌های تاریخی کاملاً متفاوت است، سطح اختلاف این خوانش‌ها گاه به حدی است که گوئی در دو پارادایم مختلف شکل می‌گیرند. لذا این دو نوع خوانش در بسیاری جاها در مقابل کل و اساس هم قرار می‌گیرند نه علیه یک فرقه خاص همدیگر و هرازچندگاهی در قالب این نوع سریالی‌ها سردر می‌آورد.

از آنجاکه تنوع آملی هم دارای پایگاه اجتماعی قوی در کشورهای عربی است و هم به لحاظ سیاسی بنیه قوی دارد، روایت سنی سعی می‌کند خود را چندان در مواجهه با آن قرار ندهد، تنوع زیدی هم هر چند اساساً دیدگاه‌های بنیادینی چه در روایت تاریخی و چه در کلام یا فقه ندارد، در حال حاضر اما به واسطه قدرت سیاسی و نظامی که در یمن دارد، حمایتگر مالی و ایدئولوژیک چنین سریالی‌هایی حاضر نیست فعلاً خود را با آنها دراندازد، به خصوص با پیمانی که اخیراً در خاورمیانه میان دو طرف بزرگ ماجرا در ترک خصامه بسته شده در این عدم تقابل رسانه‌ای نیز بی تأثیر نیست.

می‌ماند فرقه مهم دیگر یعنی اسماعیلی که چند ویژگی دارد: اولاً دارای قوه قاهره سیاسی در هیچ کشوری نیست، ثانیاً تاریخی دارند که برخلاف مثنی امروزان که بیشتر آکادمیک، عالمانه و تقریباً غیرسیاسی است اما در برهه‌های مختلف تاریخی به خصوص دوره حسن صباح یک فعالیت کاملاً عمل‌گرا و پراگماتیستی داشتند که در مواردی به نوعی رادیکالیسم کشیده می‌شد که می‌تواند مورد انتقاد انواع دیدگاه‌های مدرن امروزی باشد، بنابراین هدف خوبی برای این‌گونه حمله رسانه‌ای است. بنابراین هجوم به آنها از همین جا شروع می‌شود، اما فقط به آنها اکتفا نمی‌شود و اساساً پای کل تنوع به میان کشیده می‌شود. این حمله از اتهام به تلقی‌های متفاوت تاریخی به شیعه صرف‌نظر از اینکه کدام فرقه باشد تا اتهاماتی نظیر ایجاد انحرافات گسترده در دین اعم از کلان‌باورها (اصول) و باورهای خرد (فروع) که در این سریالی به آنها اشاره می‌شود، تداوم می‌یابد. شاید



شاید
خوانش
تاریخی که
ما امروزه
داریم،
می‌تواند
کاملاً

متفاوت از
هم باشد
اما وقتی در
قالب رسانه

و سریالی
داستانی
و در
خدمت یک

ایدئولوژی
مذهبی یا
ژئوپلیتیکی
درمی‌آید

می‌شود
نوعی حمله
و حمله
فرهنگی

عکس نوشت



دهمین جشنواره لاله‌های گرج با نمایش بزرگترین فرش گل خاومیه به مساحت ۲۳۰ متر مربع و ۳۰ هزار پیاز گل لاله در بیش از ۲۰ نوع و رنگ متفاوت در کنار انواع گل و گیاه فصلی مثل بنفشه و ترکیب در باغ گل‌های بوستان شهید چمران کرج در حال برگزاری است.

عکس: ایرنا

میراث

دیدار میراث مشترک ناملموس

نوروز فرصت به یادآوردن کشورها و ملی است که دارای فرهنگ مشترک با ایران هستند، در واقع مللی که در حیطه نوروز قرار دارند. نوروز فرصت مواجهه با این هموندان فرهنگی و تاریخی است که هر کدام در خود یادگارهایی دارند و از این رو در هر کدام از این کشورها و ملل جدا شده از هم می‌توان اشتراکاتی را یافت.

اگر مواجهه با سمرقند و بخارا مواجهه با میراث مادی است و می‌توان مجموعه‌ای از بناهای تاریخی نامدار و پرمطمراق را مشاهده کرد اما مواجهه با تاجیکستان مواجهه با میراث غیرملموس است از این رو می‌توان گفت بیش از شباهت تاریخی، شباهت فرهنگی خود را نشان می‌دهد. بیشترین جلوه هم در میراث زبانی است. هم‌زبانی با خودآشنایی دارد و این گونه است که بیشترین نزدیکی در کشورهای میراث مشترک را می‌توان در تاجیکستان مشاهده کرد. جایی که هم‌جوار نیست اما قربانت را می‌توان در میان مردمان مشاهده کرد و مردمان در دو سو به سوی هم کشش دارند. همین هم‌زبانی سبب می‌شود مفاخر ادبی و فرهنگی تاریخی بر مرز مشترک قرار بگیرند از رودکی که آدم الشعرا خوانده می‌شود و پدر شعر فارسی دانسته می‌شود و موطن و مقبره او در پنج رود و جدایی از ایران است تا حافظ و سعدی و فردوسی که همه فارسی‌زبانان آن را از آن خود می‌دانند.



رضا دبیری نژاد
موزه دار



میراث شفاهی
یا میراث
ناملموس

میراثی زنده و
جاری است
و از این رو
وقتی صحبت

از میراث
مشترک
ناملموس می

کنیم صحبت
از شباهت
فرهنگی

اکتونی است
این رو مواجهه
و دیدار با

تاجیکستان
دیدار با دیگری
غریبه نیست

بلکه مواجهه
با شباهت‌های
فرهنگی است

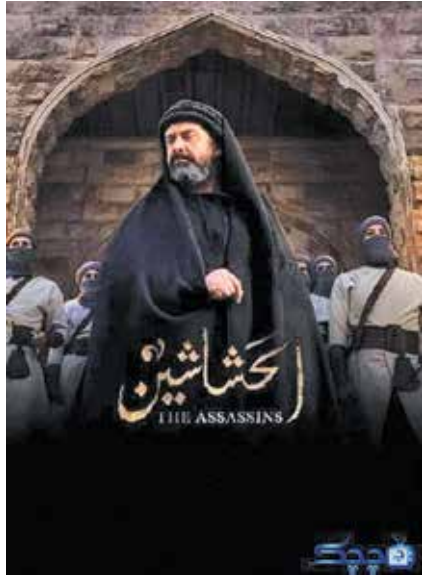
که همین
شباهت‌های
فرهنگی

تاریخی
می‌تواند
پرسش‌هایی
را پیش روی

ما قرار دهد،
این که با همه
شباهت‌ها چرا
دو ملت دو

نگاه متفاوت
به فرهنگ و
بهره‌گیری

از میراث
فرهنگی دارند؟



الحشاشین THE ASSASSINS

فرصت مشترک به یادآوردن کشورها و ملی است که دارای فرهنگ مشترک با ایران هستند، در واقع مللی که در حیطه نوروز قرار دارند. نوروز فرصت مواجهه با این هموندان فرهنگی و تاریخی است که هر کدام در خود یادگارهایی دارند و از این رو در هر کدام از این کشورها و ملل جدا شده از هم می‌توان اشتراکاتی را یافت.

اگر مواجهه با سمرقند و بخارا مواجهه با میراث مادی است و می‌توان مجموعه‌ای از بناهای تاریخی نامدار و پرمطمراق را مشاهده کرد اما مواجهه با تاجیکستان مواجهه با میراث غیرملموس است از این رو می‌توان گفت بیش از شباهت تاریخی، شباهت فرهنگی خود را نشان می‌دهد. بیشترین جلوه هم در میراث زبانی است. هم‌زبانی با خودآشنایی دارد و این گونه است که بیشترین نزدیکی در کشورهای میراث مشترک را می‌توان در تاجیکستان مشاهده کرد. جایی که هم‌جوار نیست اما قربانت را می‌توان در میان مردمان مشاهده کرد و مردمان در دو سو به سوی هم کشش دارند. همین هم‌زبانی سبب می‌شود مفاخر ادبی و فرهنگی تاریخی بر مرز مشترک قرار بگیرند از رودکی که آدم الشعرا خوانده می‌شود و پدر شعر فارسی دانسته می‌شود و موطن و مقبره او در پنج رود و جدایی از ایران است تا حافظ و سعدی و فردوسی که همه فارسی‌زبانان آن را از آن خود می‌دانند.

میراث شفاهی یا میراث ناملموس میراثی زنده و جاری است و از این رو وقتی صحبت از میراث مشترک ناملموس می‌کنیم صحبت از شباهت فرهنگی اکتونی است از این رو مواجهه با دیدار با تاجیکستان دیدار با دیگری غریبه نیست بلکه مواجهه با شباهت‌های فرهنگی است که همین شباهت‌های فرهنگی تاریخی می‌تواند پرسش‌هایی را پیش روی ما قرار دهد، اینکه با همه شباهت‌ها چرا دو ملت، دو نگاه متفاوت به فرهنگ و بهره‌گیری از میراث فرهنگی دارند؟ اینکه چرا میراث مشترک ناملموس میراثی زنده و جاری است و از این رو وقتی صحبت از میراث مشترک ناملموس می‌کنیم صحبت از شباهت فرهنگی اکتونی است از این رو مواجهه با دیدار با تاجیکستان دیدار با دیگری غریبه نیست بلکه مواجهه با شباهت‌های فرهنگی است که همین شباهت‌های فرهنگی تاریخی می‌تواند پرسش‌هایی را پیش روی ما قرار دهد، اینکه با همه شباهت‌ها چرا دو ملت دو نگاه متفاوت به فرهنگ و بهره‌گیری از میراث فرهنگی دارند؟

میراث شفاهی یا میراث ناملموس میراثی زنده و جاری است و از این رو وقتی صحبت از میراث مشترک ناملموس می‌کنیم صحبت از شباهت فرهنگی اکتونی است از این رو مواجهه با دیدار با تاجیکستان دیدار با دیگری غریبه نیست بلکه مواجهه با شباهت‌های فرهنگی است که همین شباهت‌های فرهنگی تاریخی می‌تواند پرسش‌هایی را پیش روی ما قرار دهد، اینکه با همه شباهت‌ها چرا دو ملت دو نگاه متفاوت به فرهنگ و بهره‌گیری از میراث فرهنگی دارند؟